

در نشست «تأثیر چالش‌های امروز ساترا بر آینده VODها» مطرح شد

قائم‌نساب: نگرانی منتقدان درباره ریزش مخاطب پلتفرم‌های داخلی به ماهواره‌ها بجاست

کوهیان: دستور رهبری

انحصار صداوسیما را شکست

گفت و گو

فاطمه ترکشوند

روزنامه نگار

از طرفی می‌دانیم که پایگاه و جایگاه قانونی ساترا با قانون اساسی و حکم رهبری و مصوبه سی خرداد شورای عالی انقلاب فرهنگی، محکم و غیرقابل تردید است اما از طرف دیگر شاهد برخی خفاها و نقایص قانونی در سطح سازکارهای تعاملی ساترا با دستگاه قضایی و برخی دیگر از نهادها هستیم که باعث می‌شود برای مثال ساترا در دادگاه، برخی دعایو را به شکات واگذار کند. در نتیجه به نظر می‌رسد آنچه‌آن استیم قوانین بالادستی در سطح این‌نامه‌ها و مکاتیزم‌های حقوقی به تفصیل نرسیده‌اند و مانع این به تفصیل رساندن هم. قرائت‌های مختلف از همان احکام و اسناد بالادستی است که هنوز محل تعارض و اختلاف هستند. ساترا تا چه اندازه این چالش‌های قانونی را واقعی می‌داند و به رسمیت می‌شناسد؟

قائم‌نساب: ما با VODها و فعالان این‌حوزه واقعاً چالش عمده‌ای نداریم اما به هر حال طبیعی است که در هر کاری چالش‌هایی باشد، خصوصاً این‌صنعت که به قول علما، مستحده است. طبیعتاً هر چیز جدیدی نیاز به ریل‌گذاری جدید دارد و تا فعالان و مرتبطان این صنعت خودشان را تطبیق دهند و جایشان را پیدا کنند، مقداری طول خواهد کشید و اختتام ملاحظاتی اندکی هم ممکن است موجود باشد. ساترا و فضای مجازی هم از این قاعده مستثنی نیست. حوزه تنظیم‌گری اساساً نیازمند صبر و حوصله و تعامل و فراموش شدن بسترهایی است که هر کسی به مرور در جای مناسب خودش قرار بگیرد.

از نظر ما، در خصوص جایگاه قانونی ساترا هیچ مشکلی وجود ندارد گرچه ممکن است نظر اقلیت برخی حقوقدان‌ها، متفاوت باشد و معتقد باشند باید از استحکام قانونی بیشتری برخوردار شود. اما جایگاه ساترا امروز قانونی و تثبیت‌شده است و علتش هم این است که سازمان و صداوسیما مأموریت‌هایی دارد و بر همان اساس اختیاراتی هم به آن داده شده است. طبق اساسنامه صداوسیما، اختیار ایجاد تشکیلات و تدوین مأموریت‌ها به عهده شورای سرپرستی صداوسیما گذاشته شده که بعدها در سال ۱۳۷۳ رهبر معظم انقلاب، این اختیار شورای سرپرستی را به رئیس صداوسیما تفویض کردند. در این مدت هم بارها اتفاق افتاده که صداوسیما تشکیلاتی را ایجاد و تشکیلاتی را منحل کرده و این موضوع کاملاً امری عادی محسوب می‌شود.

از سال ۱۳۹۴ که این وظیفه مفعول‌مانده سر و ساماندهی به فضای مجازی توسط رهبر معظم انقلاب با صراحت تأکید شده، صداوسیما به‌دنبال این رفته که این مأموریت را ترتیب اثر بدهد. تأکید می‌کنم که این مأموریت از قبل هم بر عهده سازمان بوده اما به هر دلیلی تا آن زمان، آن را انجام نداد است. بر همین اساس ساترا ذیل صداوسیما تشکیل شد. بعد هم ساترا اقدام کرد به اعطای مجوز به پلتفرم‌ها و تا امروز حدود ۴۰۰ پلتفرم از ساترا مجوز گرفته‌اند. البته ما مدعی نیستیم که هر ۴۰۰تایی که مجوز گرفته‌اند حداکثر فعالیت‌شان را دارند انجام می‌دهند برخی از آنها ممکن است به مرحله فعالیت واقعی نرسیده باشند. اما بسیاری از آنها در تعامل ماهانه و هفتگی و روزانه با ساترا هستند و محتواهایشان را در تعامل با ساترا و بر اساس ضوابط تولید می‌کنند. ضوابط محتوایی هم با استفاده از نظرات کارشناسان و کسانی که در این زمینه سال‌های سال تجربه تولید برنامه‌های تلویزیونی و نمایشی داشتند، تهیه و به همه پلتفرم‌ها ابلاغ شده است.

بنابراین معتقدیم که ساترا با چالش قانونی خاصی مواجه نیست، وضعیت کنونی این موضوع را تأیید می‌کنید؟

کوهیان: مجموعه ساترا و سازمان صداوسیما بالاخره دست‌کم در چندماه گذشته، اراده جدی برای تعامل از خود نشان داده و این مسأله را باید به فال نیک گرفت و قابل تقدیر است چرا که صداوسیما تا پیش از این خود را موظف به پاسخگویی به هیچ‌کجا حتی به شورای نظارت مقرر در قانون اساسی هم نمی‌دانست.

اما نکاتی که آقای قائم‌نساب گفتند مایه تعجب من است چون خودشان سابقه کار حقوقی دارند و در دیوان عدالت اداری فعالیت نیز داشتند و به نیکی می‌دانند که ما امر بسیار مهمی در حقوق اداری به نام «اصل عدم صلاحیت مقام اداری و اداره» داریم. به معنای کلی، دولت صلاحیت هیچ کاری را ندارد مگر اینکه قانونگذار، صراحتاً به او این اجازه را داده باشد. بنابراین از آقای قائم‌نساب درخواست می‌کنم قانون مصرحی را که بر طبق آن صداوسیما می‌تواند بر حوزه نمایش خانگی و فضای مجازی نظارت داشته باشد و مصوباتی را بگذراند که به موجب آن حق و تکلیفی برای مردم ایجاد شود، بگویند. چون در قانون دسترسی آزاد به اطلاعات هم صراحتاً آمده است که تمام مصوباتی که موجد حق و تکلیف برای مردم است، باید به انتشار عمومی برسد اما تا این لحظه مصوبه قانونی که به ساترا یا صداوسیما این اجازه را داده باشد که برای مردم حق و تکلیف مشخص کند،

دیده نشده است.

در دو جای قانون اساسی از صداوسیما صحبت شده است که مهم‌ترین آنها همان اصل ۱۷۵ قانون اساسی است که در آن تصریح شده «خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند». در اصل ۴۴ هم در مورد رادیو و تلویزیون صحبت شده و نه «صداوسیما»، گفته شده که رادیو و تلویزیون دولتی است که البته در این اصل به دولتی بودن بسیاری چیزها تصریح شده اما بعدها که سیاست‌های کلی نظام در خصوص اصل ۴۴ از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شد و قانون اجرای سیاست‌های کلی نظام در مورد این‌اصل در مجلس تصویب شد، رادیو و تلویزیون را مستثنی کردند. این هم خیلی جالب است که مثلاً بیمه‌ها و بانک‌ها را در تفسیر گفتند که می‌شود بیمه و بانک خصوصی داشته باشیم ولی رادیو و تلویزیون نمی‌شود. شورای محترم نگهدار در سال ۱۳۷۹ یک نظریه تفسیری از اصل ۴۴ دادند و رادیو و تلویزیون و رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر را در انحصار سازمان صداوسیما دانستند که خود آن هم ماجراجویی دارد و به زمانی بازمی‌گردد که در کوی دانشگاه تهران یک تلویزیون کابلی توسط مدیرکل وقت کوی راه‌اندازی شد و آقای لاریجانی رفتند و به هر قیمتی خواستند مانع توسعه چنین تلویزیونی شوند. بنابراین این نظریه تفسیری پیشینه‌ای دارد و از آن جا جلوی این موضوع را گرفتند.

رهبری در یکی از سخنرانی‌هایشان در اواخر دهه هفتاد در جمع دانشجویان صراحتاً فرمودند فقط نصب و عزل ریاست صداوسیما به عهده رهبری است و مدیریت سازمان و اداره و سیاست‌های آن به رهبری ارتباطی ندارد. در مورد قوه قضائیه و صداوسیما نظر صریح ایشان همین است و همان طور که قوه قضائیه دارد با قانون اداره می‌شود و نمی‌گوییم چون رئیس آن را رهبری مشخص می‌کنند، پس قانون مجازات و آیین دادرسی را هم رهبری معین می‌کنند در مورد صداوسیما هم نمی‌توانیم چنین ادعایی داشته باشیم. همه این قوانین در مجلس تصویب می‌شود و قوه مقننه آنها را اجرا می‌کند. در مورد صداوسیما هم همین طور است و ایشان رئیس را عزل و نصب می‌کنند و در مدیریت صداوسیما همان طور که خودشان فرمودند، دخالتی ندارند.

بنابراین من خواهم می‌کنم در این گفت‌وگوها از رهبری خارج نشود. ایشان تصریح کرده‌اند که در مدیریت دخالت ندارند. در مورد دسترسی هم که رهبری در سال ۱۳۷۲ به تفویض اختیارات شورای ریاست سازمان به رئیس صداوسیما دادند علتش خلأ قانونی بود. در سال ۱۳۶۸ قانون اساسی تغییر کرد اما اساسنامه صداوسیما و خط مشی کلی آن تغییری نکرد و تا امروز همین‌طور مانده است.

جالب اینکه هر مجلسی هم که خواسته به رهبری موضوع ورود کند، شورای نگهدار به استناد اینکه رهبری رئیس سازمان را عزل و نصب می‌کند به مجلس می‌گویند که حق قانونگذاری ندارد. خیلی عجیب است که برای قوه قضائیه چنین حرفی نمی‌زنند! آن هم قوه قضائیه‌ای که هر روز با هزاران مورد برخورد منجر به حبس و جریمه و مجازات با مردم در ارتباط است؛ اما در مورد صداوسیما چنین استدلالی دارند.

شاید پیشنهاد قانونی برای این تفاوت برخورد وجود داشته باشد که ما مطلع نیستیم.

مهدی کوهیان: چنین قانونی وجود ندارد لاقابل ما ندیده‌ایم. دست‌کم قانون اساسی تصریح دارد که «خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند» اما تا الان مشخص نشده و رهبری برای اینکه کارهای سازمان صداوسیما روی زمین نماند به شکل موقت آن را بر عهده ریاست سازمان گذاشتند. اما این قانون بالاخره باید برود تصویب شود.

سال ۱۳۹۴ رهبری دسترسی دادند که بسیار دستور پیشروانه و روشنگرانه‌ای است چرا که اتفاقاً برخلاف تفسیری که دوستان از حکم رهبری دارند، ایشان انحصار سازمان صداوسیما را شکسته‌اند. این دستور دو بند دارد. ایشان در بند اول فرموده‌اند «ارائه خدمات و محتوا توسط وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها از جمله وزارت ارشاد، صداوسیما، دستگاه‌های فرهنگی و نیز نهادهای مردمی و بخش خصوصی دارای نقش مهم و اساسی هستند». بنابراین رهبری به شکل پیش فرض بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد را در خصوص خدمات و محتوای فضای مجازی دارای نقش مهم و اساسی دانسته‌اند. یعنی این موضوع را به رسمیت شناخته‌اند و می‌گویند «این هست» نه اینکه «این باید به وجود بیاید» و به عهده هیچ دستگاهی هم نگذاشته‌اند که مثلاً «شما این چیزها را به وجود بیاورید».

هر نهاد تنظیم‌گر در هر حوزه‌ای به ویژگی‌هایی نیاز دارد که عملاً ابزار کار آن هستند و مستقیماً بر کیفیت فعالیتش در حوزه مربوطه تأثیر می‌گذارند. از این رو چالش‌های تنظیم‌گران می‌تواند آینده همه کنشگران حوزه خود را تحت تأثیر قرار دهد و لازم است که در صحنه عمومی این چالش‌ها به بحث گذاشته شده و راهکارهایی برای آن‌ها اندیشیده شود. وضعیت امروز «سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر» به عنوان بازوی اصلی حاکمیت در مسأله VODها و نمایش خانگی به دقت مورد توجه کنشگران این حوزه قرار دارد اما با چالش‌هایی روبه‌رو است که هم خود این نهاد و هم مخاطبان ذینفع آن را درگیر می‌کند. برخی از این چالش‌ها را در نشست میان محسن قائم‌نساب، قائم‌مقام رئیس ساترا، مهدی کوهیان، حقوقدان حوزه رسانه و محمدصادق علیزاده، روزنامه‌نگار فرهنگی به گفت‌وگو گذاشتیم.

در این زمینه داشته باشند، متذکر می‌شود که حواس‌تان باشد این موضوع «منحصراً» در اختیار صداوسیماست. فضا را رصد می‌کنند و می‌دانند که مردم و بخش خصوصی در فضای مجازی نقش مهم و اساسی را ایفا می‌کنند. اما در بند دوم می‌گویند «مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی منحصراً بر عهده صداوسیماست» عملاً از این بند این‌را متوجه می‌شویم که تا امروز که این انحصار بر اساس تفسیر شورای محترم نگهدار، در دست صداوسیما بوده و دیگر نیازی به ذکر مجدد نیست.

اتفاقاً ایشان دارند مسیر را باز می‌کنند و می‌گویند آقای صداوسیما، شما به آن بخش‌هایی که گفته شد مجوز بده و آنها را تنظیم مقرر کن! بنابراین این دستور رهبری به نوعی شکست انحصار صداوسیماست و در واقع حداقل در فضای مجازی نظر ایشان این است که رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر دیگری غیر از صداوسیما هم بر بستر فضای مجازی وجود داشته باشند و به درستی هم به ماهواره اشاره نکرده‌اند چراکه پیچیدگی‌هایی دارد که هنوز موقع آن نرسیده است.

من فکر می‌کنم طبق این نظر رهبری دوستان هرچه سریع‌تر باید قانون صدور مجوز و تنظیم مقررات را آماده می‌کردند و به مجلس شورای اسلامی برای تصویب قانون ارائه می‌دادند.

قائم‌نساب: تفسیر و نظر شورای نگهدار و مبنای قانونی صداوسیما ارتباطی با بحث امروز ما در باره جایگاه ساترا ندارد. بحث ما امروز مرتبط با محتوای پلتفرم‌ها و مصوبه سی خرداد شورای عالی انقلاب فرهنگی است. اما آن چیزی که امروز در منظر و مرئی‌ها همگان است و همه آن را پذیرفته‌اند، این است که شورای نگهدار مفسر قانون اساسی است و بالاخره گفته‌اند که این مسئولیت نظارت بر صوت و تصویر فراگیر منحصراً بر عهده صداوسیماست. **کوهیان:** البته این دستور رهبری با همان بند اولی است که گفته شد. شورای نگهدار، این انحصار را برای صداوسیما ایجاد کرده و اتفاقاً رهبری این انحصار را شکسته و ظرف قانونی را توسعه داده‌اند.

قائم‌نساب: پس در اینکه شورای نگهدار به عنوان مفسر قانونی قانون اساسی، این وظیفه را به عهده صداوسیما گذاشته است، تردیدی ندارید؟

کوهیان: خیر تردیدی نیست. **قائم‌نساب:** از زمانی که این موضوع به عهده صداوسیما گذاشته شده، غفلتی بوده و صداوسیما به هر دلیلی به این سمت نرفته است. در این فاصله یک بخش‌هایی وارد این حوزه شده‌اند. حالا رهبری با آینده‌نگری همان‌طور که وظیفه صداوسیما را به آن گوشزد کرده، خطاب به سایرین هم این انحصار را یادآوری کرده است. فقط خود صداوسیما مخاطب نیست و برای همه کسانی که ممکن است این قلمتی

مجازی وجود داشته باشند، متذکر می‌شود که حواس‌تان باشد این موضوع «منحصراً» در اختیار صداوسیماست. فضا را رصد می‌کنند و می‌دانند که مردم و بخش خصوصی در فضای مجازی نقش مهم و اساسی را ایفا می‌کنند. اما در بند دوم می‌گویند «مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی منحصراً بر عهده صداوسیماست» عملاً از این بند این‌را متوجه می‌شویم که تا امروز که این انحصار بر اساس تفسیر شورای محترم نگهدار، در دست صداوسیما بوده و دیگر نیازی به ذکر مجدد نیست.

اتفاقاً ایشان دارند مسیر را باز می‌کنند و می‌گویند آقای صداوسیما، شما به آن بخش‌هایی که گفته شد مجوز بده و آنها را تنظیم مقرر کن! بنابراین این دستور رهبری به نوعی شکست انحصار صداوسیماست و در واقع حداقل در فضای مجازی نظر ایشان این است که رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر دیگری غیر از صداوسیما هم بر بستر فضای مجازی وجود داشته باشند و به درستی هم به ماهواره اشاره نکرده‌اند چراکه پیچیدگی‌هایی دارد که هنوز موقع آن نرسیده است.

من فکر می‌کنم طبق این نظر رهبری دوستان هرچه سریع‌تر باید قانون صدور مجوز و تنظیم مقررات را آماده می‌کردند و به مجلس شورای اسلامی برای تصویب قانون ارائه می‌دادند.

قائم‌نساب: تفسیر و نظر شورای نگهدار و مبنای قانونی صداوسیما ارتباطی با بحث امروز ما در باره جایگاه ساترا ندارد. بحث ما امروز مرتبط با محتوای پلتفرم‌ها و مصوبه سی خرداد شورای عالی انقلاب فرهنگی است. اما آن چیزی که امروز در منظر و مرئی‌ها همگان است و همه آن را پذیرفته‌اند، این است که شورای نگهدار مفسر قانون اساسی است و بالاخره گفته‌اند که این مسئولیت نظارت بر صوت و تصویر فراگیر منحصراً بر عهده صداوسیماست. **کوهیان:** البته این دستور رهبری با همان بند اولی است که گفته شد. شورای نگهدار، این انحصار را برای صداوسیما ایجاد کرده و اتفاقاً رهبری این انحصار را شکسته و ظرف قانونی را توسعه داده‌اند.

قائم‌نساب: پس در اینکه شورای نگهدار به عنوان مفسر قانونی قانون اساسی، این وظیفه را به عهده صداوسیما گذاشته است، تردیدی ندارید؟

کوهیان: خیر تردیدی نیست. **قائم‌نساب:** از زمانی که این موضوع به عهده صداوسیما گذاشته شده، غفلتی بوده و صداوسیما به هر دلیلی به این سمت نرفته است. در این فاصله یک بخش‌هایی وارد این حوزه شده‌اند. حالا رهبری با آینده‌نگری همان‌طور که وظیفه صداوسیما را به آن گوشزد کرده، خطاب به سایرین هم این انحصار را یادآوری کرده است. فقط خود صداوسیما مخاطب نیست و برای همه کسانی که ممکن است این قلمتی



کوهیان:

در نظریه تفسیری شورای

نگهبان، اصولاً کسی

حق نداشت نباید مجوز بگیرد چون خود صداوسیما بود

که شبکه‌هایش را تأسیس و محتوایش را تولید می‌کرد.

نظر رهبری ناظر بر این است که بخش خصوصی نباید

از سازمان صداوسیما مجوز بگیرد و چون حالا نظر

شورای نگهدار عنوان «رادیو و تلویزیون» به «صوت و

تصویر فراگیر» تغییر کرده، اتفاقاً رهبری دارند می‌گویند که

صداوسیما باید صدور مجوز و تنظیم مقررات برای بخش

خصوصی را هم برعهده بگیرد.

ببینید هیچ سازمانی برای خودش که مجوز صادر نمی‌کند!

رهبری هم طبعاً نمی‌گویند صداوسیما برای خودش مجوز

صادر کند بلکه منظور صدور مجوز برای بخش خصوصی

است که معنای ضمنی و مستقیم آن این است که حضور

و مشارکت بخش خصوصی و تولیدات آن در زمینه صوت و

تصویر فراگیر به رسمیت شناخته شده است.

قائم‌نساب: مجوز پخش و انتشار هرگز غیر از صداوسیما

در اختیار کسی نبوده است.

خصوصی نباید

از سازمان

صداوسیما

مجوز بگیرد

و چون حالا

طبق نظر

شورای نگهدار

عنوان «رادیو

و تلویزیون»

به «صوت و

تصویر فراگیر»

تغییر کرده،

اتفاقاً رهبری

دارند می‌گویند

که صداوسیما

باید صدور

مجوز و تنظیم

مقررات

برای بخش

خصوصی را بر

عهده بگیرد

آن‌ان ورود و فعالیت در این حوزه نیست.

اتفاقی که این‌جا افتاده و تفسیری که صداوسیما و ساترا دارند از این حق انحصار برای خود می‌کنند، در کانتکست ۲۰سال قبل قابل فهم است و همین باعث ایجاد مشکل می‌شود. من با شرح و تفسیر آقای کوهیان از دستور رهبری همراهم اما با نتیجه‌ای که از آن می‌گیرند همراه نیستم.

این رویکرد در سیره ایشان در همه بخش‌های حاکمیتی مشخص است.

ایشان همواره تأکید فراوان داشتند برای اینکه از نظرات و مشاوره‌های کنشگران غیردولتی و غیرحاکمیتی استفاده شود و آنها در تصمیم‌سازی‌ها دخالت داده شوند. این حرف درستی است و گذشته از مسائل قانونی اگر در ساحت اجرا، نقدی به ساترا وارد می‌شود عمدتاً در اینجا مطرح می‌شود. این همه‌جا علیه ساترا یک رویه‌ای دارد که برخی صلاحیت را ندارد یا صداوسیما این حق را ندارد ولی وقتی این رویه را کنار می‌زنیم و به سمت ریشه‌های این مواضع می‌رویم به عملکرد و ساختاری می‌رسیم که صداوسیما و بازوی اجرایی‌اش یعنی ساترا طبق آن عملاً دارند حرکت می‌کنند. این مداخله از لحاظ تئوریک و قانونی حق آنهاست اما عمده این انتقادات به آن چیزی برمی‌گردد که در میدان واقعیت میان ساترا و طرف حساب‌های آن دارد اتفاق می‌افتد.

قرائن و سیگنال‌هایی هم که از مدیریت کلان ساترا می‌رسد با این برداشت‌ها و تفکرها سازگار است؛ مثلاً آقای مقبسه نامه‌هایی زدند و برای بخش‌های مختلف حاکمیت تعیین تکلیف کردند که مثلاً دستگاه قضایی با فلان پلتفرم برخورد کند یا وزارت ارتباطات ISPها را بخواباند، اصلاً شبیه نشانه‌های همگرایی و دخیل کردن کنشگران غیرحاکمیتی نیست؛ بنابراین عمده بحث اینجا است نکته دوم در وجهت قانونی اقدامات ساترا این است که قانون، یک فرایند است و یک نقطه؛ این‌طور نیست که بگوییم رهبری اختیارات و وظایفی را برای صداوسیما مشخص کردند و تمام! همان‌طور که شخص رهبر معظم انقلاب هم جایی مطرح کردند رهبری شبیه پلیس سر چهارراه است که به دنبال گره‌ها و راه باز کردن آنها می‌گردد.

بنابراین ایشان در این گره مستحده‌ای که پیش آمده یک حق فرارخواهی و فراسازمانی را به منظور حل گره به یکی از طرفین ماجرا داده‌اند، اما ماجرا اینجا تمام نمی‌شود. ادامه این حق، سازکارها و ضوابطی است که باید مشخص و قانونی شود چون اگر روزی باز نزاع میان ساترا و پلتفرم‌ها به دادگاه کشیده شود. دادگاه دیگر نگاه نمی‌کند که فلان حق را شورای عالی انقلاب فرهنگی به ساترا داده بلکه باید در قوانین پایه به دنبال حل نزاع بگردد. اما اگر از حق تفویض رهبری پایین‌تر باییم دیگر چیزی نمی‌بینیم. این هم به آن معنا نیست که ساترا برای خودش آیین‌نامه‌ای تدوین نکرده بلکه به این معناست که مسیر قانونی مشخص نشده است.

به همین دلیل واقعاً درست نیست در این مباحث از رهبری مایه بگذاریم و ایشان را سپر کنیم. اینها بحث‌های کارشناسی تخصصی در چهارچوب مباحث تقنینی است و اینکه مدام این‌شکل از استدلال را از مدافعان ساترا می‌شنویم نشان‌دهنده وجود برخی کمبودهاست و همین موضوع درباره شورای عالی انقلاب فرهنگی هم صادق است.

قائم‌نساب: ما هم اصلاً علاقه‌مند نیستیم از رهبری خرج شود چرا که رهبری نسبت به یک وظیفه مفعول‌عنه، تذکر داده‌اند. از آن که بگذریم باید حرفه‌ای و کارشناسی در این باره صحبت کنیم. شبکه نمایش خانگی ایجاد شده است؛ قبلاً روی ویدیو و سی‌دی و دی‌وی بوده و حالا بستر اینترنت برای آن فراهم شده است. بر اصل اینکه این موضوع باید نظارت شود صرف نظر از اینکه چه کسی را انجام دهد آیا کسی در آن حرفی دارد؟

کوهیان: بله حتماً باید نظارت باشد.

علیزاده: تردید نیست که نظارت باید باشد. **قائم‌نساب:** بنابراین یک حوزه‌ای که تأثیر گسترده بر افکار عمومی دارد حتماً نیاز به نظارت دارد. اما چه کسی باید نظارت کند؟ این چالش مهمی است. آیا از نظر حرفه‌ای و مدیریتی و عقلانی نباید آن نهادی نظارت کند که دارای تجربه بیشتری است؟

کوهیان: اما صداوسیما، ذی‌نفع است؛ ذی‌نفع نمی‌تواند ناظر باشد.

قائم‌نساب: به این موضوع هم می‌رسیم اما آیا می‌پذیرید آن کسی که بیشترین تجربه را در این زمینه دارد باید ناظر باشد؟